

افت دلار در بازارهای جهانی



به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، فضای ریسک بر سر بازارهای ارز بیش از پیش از پیش تشدید شده است. معامله‌گران نگرانند فضای تنش بین آمریکا و شرکای تجاری بزرگش تا پیش از انتخابات روی دور تند افزایشی باشد و این مساله بیش از پیش فشار روی اقتصاد جهانی را که به دلیل کرونا با مشکلات زیادی روبه‌روست، تشدید کند. دور جدید این اختلافات به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری و ارز برجسته شده است.

آن‌طور که روزنامه دولتی ساوث چاینا مورنینگ پست گزارش داده، چین ممکن است تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی خود را با هدف کاهش وابستگی اقتصاد خود به دلار و آسیب‌پذیری کمتر از تحریم‌های احتمالی آمریکا در آینده تشدید کند. آمارهای منتشرشده توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز نشان می‌دهد روند کاهش وابستگی چین به دلار کماکان ادامه دارد و میزان اوراق قرضه دلاری در اختیار این کشور تا پایان ماه آگوست به ۱۷۰۷ تریلیون دلار رسیده که این رقم از سال ۲۰۱۷ تاکنون بی‌سابقه بوده است.

تقابل چین و آمریکا روی سرمایه‌گذاری‌های متقابل اتباع دو کشور نیز تاثیر محسوسی داشته تا جایی که خرید خانه در آمریکا توسط اتباع چینی طی ۹ ماه نخست امسال نسبت به بازه مشابه زمانی سال قبل حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است. چینی‌ها از هشت سال پیش تاکنون بزرگ‌ترین خریداران خارجی خانه در آمریکا بوده‌اند و کاهش ۶۰ درصدی خانه توسط آنها بدان معنا بوده که ۱۱/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی کمتر وارد چرخه اقتصاد آمریکا شده است. شمار کسانی که در آمریکا خواهان دریافت مزایای بیکاری شده‌اند نسبت به هفته قبل کاهش محسوسی یافته اما این رقم در مقایسه با آغاز سال میلادی کماکان رقم بالایی است. در شرایطی که دولت و بانک مرکزی آمریکا تاکنون حدود هفت تریلیون دلار نقدینگی و اعتبار به بازارهای مالی این کشور تزریق کرده‌اند، باقی ماندن نرخ بیکاری در محدوده ۷ تا ۸ درصدی نمی‌تواند خبر خوبی برای سیاستگذاران آمریکایی محسوب شود. مذاکرات بین کنگره و دولت بر سر اجرایی شدن یک بسته حمایتی دیگر ادامه دارد اما تاکنون توافقی بین سران دموکرات و جمهوری خواه حاصل نشده است.

با وجود ادعاهای قبلی ترامپ و برخی مقامات دولت وی در توزیع واکسن کرونا تا پیش از انتخابات، به نظر نمی‌رسد تا پایان سال خبری از واکسن کرونا باشد به‌ویژه آنکه هنوز نتایج استفاده از نمونه‌های اولیه در مقیاس وسیع مشخص نشده است. آماده نشدن واکسن مقابله با کرونا در شرایطی رخ می‌دهد که ابتلا به کووید-۱۹ همزمان با شروع فصل سرما در بسیاری از کشورهای جهان به سطح نگران‌کننده‌ای رسیده و این مساله باعث بازگشت برخی از محدودیت‌ها شده است. وضعیت به‌ویژه در اروپا هشدارآمیز است و فعالان بازار نگرانند ضربه دیگری به پیکر کم‌جان اقتصاد این کشورها وارد شود. لهستان، مجارستان و جمهوری چک از رکوردشکنی تعداد مبتلایان روزانه به کرونا خبر داده‌اند و در ورشو ساعت مجاز برای حضور مردم در فروشگاه‌ها محدود شده است. تاکنون بیش از ۴۲ میلیون و ۷۴۴ هزار و ۵۴۴ مورد ابتلا به کرونا گزارش شده است که در این بین یک میلیون و ۱۵۲ هزار و ۶۳۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند. در بین کشورهای مختلف، بالاترین تلفات مربوط به آمریکا با ۲۲۹ هزار و ۲۷۷ نفر، برزیل با ۱۵۶ هزار و ۵۶۵ نفر، هند با ۱۱۸ هزار و ۴۷۷ نفر، مکزیک با ۸۸ هزار و ۳۱۲ نفر و انگلیس با ۴۴ هزار و ۷۴۵ نفر بوده است.

تداوم روند افزایش کسری بودجه دولت آمریکا باعث نگرانی معامله‌گران از وادار شدن فدرال رزرو به چاپ پول بیشتر شده است. دفتر کنترل بودجه آمریکا در گزارشی اعلام کرده است همزمان با افزایش هزینه‌های دولت برای حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی این کشور در برابر پیامدهای ویروس کرونا، کسری بودجه دولت در سال مالی ۲۰۲۰ به ۲/۱۲ تریلیون دلار رسیده است که این رقم با وجود کمتر بودن نسبت به برآوردهای قبلی، یک رکورد کاملاً تازه محسوب می‌شود.

با نزدیک شدن به موعد برگزاری زمان انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، حساسیت معامله‌گران نسبت به تحولات سیاسی و انتخاباتی در این کشور نیز بیشتر شده است. تمایل دموکرات‌ها به اعمال سیاست‌های محرک در مقیاس بسیار بزرگ در تضاد با چیزی است که جمهوری خواهان در نظر دارند. دموکرات‌ها به صورت کلی خواهان افزایش مستقیم عرضه پول به شکل یارانه، تزریق نقدینگی به بازار و وام هستند در صورتی که جمهوری خواهان تقویت توان مالی اشخاص حقیقی و حقوقی از طریق غیرمستقیم نظیر کاهش نرخ مالیاتی را دنبال می‌کنند.

مهدی صادقی، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهنگستان» بررسی کرد

دفاع از ۴ تصمیم مشترک مجلس و دولت برای کاهش فشار اقتصادی



مرتضی عبدالحسینی روزنامه‌نگار

مؤلفه‌های اثرگذار بر آینده اقتصادی کشور نشان می‌دهد حتی اگر انتخابات آمریکا بخواد یا بتواند تاثیری در اقتصاد داخلی نداشته باشد، از مسیر سیاست‌های اتخاذی کشور گذر خواهد کرد. بنابراین آنچه در نهایت در رقم زدن سرنوشت اقتصاد ایران در آینده نقش پررنگ‌تری دارد، سیاست‌هایی است که دولت و دیگر سیاستگذاران امروز، فارغ از انتخابات آینده ایالات متحده آمریکا در نظر گرفته یا خواهند گرفت. در حال حاضر به نظر می‌رسد مهم‌ترین مساله امروز اقتصاد ایران؛ نحوه تامین کسری بودجه دولت در سال جاری باشد. البته باتوجه به شرایط سیاسی و ادامه تحریم‌ها، ممکن است امکان فروش و صادرات نفت به روال سال‌های گذشته میسر نبوده و صادرات غیرنفتی نیز با مشکل مواجه شود. این مسائل که درآمد ارزی کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، درکنار روش‌های تامین کسری بودجه، معضلاتی هستند که سیاستگذار باید فارغ از انتظارات شکل‌گرفته از آینده اقتصادی کشور برای حل آن دست‌به‌کار شود.

پیرو همین ضرورت‌ها محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی خبر از برگزاری جلسه‌ای میان روسای کمیسیون‌های اقتصادی مجلس و پنج عضو اقتصادی دولت داد. ایشان چهار تصمیم مهم و عملیاتی اتخاذشده در این جلسه را چنین شرح داده‌اند؛ ۱. تشکیل سندیکای صادرکنندگان خوشنام برای استفاده از ظرفیت اعتباری و تسهیل فعالیت بازرگانی آنها. ۲. تشکیل اتاق تهراتی مرکزی کالا با کالا در وزارت صمت برای نظارت دقیق بر اجرای مستقیم عملیات واردات در برابر صادرات بدون نیاز به تبادل ارز و صرفاً برای کالاهای ضروری و مواد اولیه تولید. ۳. تشکیل پنجره واحد صادرات نفت در برابر واردات کالاهای اساسی که در دولت مسئولیت مستقیم آن با وزارت نفت است و ۴. تامین کسری بودجه دولت از طریق کم‌هزینه‌مانند انتشار اوراق دولتی و بازرگردانی آن ازسوی بانک مرکزی در قالب عملیات بازار باز.

پیرو همین مساله «فرهنگستان» به گفت‌وگو با مهدی صادقی شاهدانی، رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه امام‌صادق(ع) و اقتصاددان نشسته است. مهدی صادقی شاهدانی معتقد است این سیاست‌ها هرچند باید زودتر از این اجرا می‌شدند، اما در صورت عملیاتی شدن در زمان حاضر نیز بسیار ارزشمند خواهند بود. در ادامه ابعاد و ملاحظات اقدامات اتخاذشده از نگاه ایشان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱

بعد از ناک‌آمدی‌های اقتصادی اخیر و همچنین رکوردشکنی‌های پی‌درپی تورم در ماه‌های گذشته، دولت و مجلس برای کاهش ناک‌آمدی‌ها به گفت‌وگو نشستند. براساس اعلام رئیس مجلس، در جلساتی که با حضور پنج عضو اقتصادی دولت و روسای کمیسیون‌های اقتصادی برگزار شده؛ چهار اقدام مهم و عملیاتی برای برون‌رفت از شرایط اتخاذ شده است. برای شروع بحث، خوب است درباره این صحبت کنیم که در درجه اول مهم‌ترین تصمیم گرفته‌شده کدام است و آیا اینکه چنین تصمیماتی از پتانسیل لازم برای بهبود شرایط اقتصادی برخوردار خواهد بود یا خیر؟

به نظر می‌رسد مهم‌ترین تصمیم گرفته‌شده در این بین؛ صادرات تهراتی نفت در برابر واردات کالاهای اساسی باشد. در کشور ما به‌صورت ادواری برای تامین کالاهای اساسی، منابع ارزی درنظر گرفته می‌شود که تامین این منابع خودبه‌خود فشاری روی بازار ارز محسوب خواهد شد. به‌طور مثال زمانی که مواد اولیه و یا کالاهای اساسی وارد می‌شود، در واقع تقاضایی را در بازار ارز ایجاد می‌کند که اگر درمقابل آن عرضه ارزی وجود نداشته باشد، نهایتاً به بازار فشار آمده (افزایش قیمت ارز) بلکه این مساله سایر تقاضا در بازار را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث تغییر اولویت‌های می‌شود. چنین چیزی است که مجبور می‌شویم مثلاً، دارو را در اولویت چندم واردات قرار دهیم. بنابراین در کمبود ارزآوری و عدم دسترسی به منابع ارزی یکی از اقداماتی که می‌توان انجام داد؛ فروش نفت در ازای دریافت کالاهای اساسی است. کشور ما ظرفیت قابل‌توجهی در صادرات نفتی دارد که در دوره‌هایی حتی به فروش روزانه ۲/۲ میلیون بشکه نیز رسیده است اما در یک تا دو سال اخیر وضعیت مناسبی نداشته، برای همین است که از این ظرفیت صادراتی در این تنگنای اقتصادی به‌خوبی استفاده نشده است. پس با وجود این ظرفیت صادراتی شایسته نبود که بازار کالاهای اساسی و یا بازار ارز ما به چنین روزی دچار شود. با توجه به شرایط بین‌المللی، تحریم اقتصادی گریبان تعدادی از کشورها را گرفته و در آینده نیز خواهد گرفت اما ممکن است آنها پتانسیل صادراتی مثل نفت نداشته باشند اما در کشور

با وجود چنین ظرفیتی می‌توانستیم به‌راحتی تهرات را در دستورکار خود قرار دهیم.

فرصت‌های زیادی برای اجرای این سیاست داشته‌ایم که استفاده نکرده‌ایم. با این توضیح دیر نشده است؟ این سیاستی بود که می‌توانست یک سال پیش اجرا شود اما در حال حاضر نیز در صورت اجرا تصمیم شایسته‌ای خواهد بود. در واقع برای مهار فشار در بازار ارز و همچنین جلوگیری از روند فزاینده آن، ضروری است که صادرات تهراتی نفت در برابر واردات کالاهای اساسی را بدون فوت وقت و با تعجیل دنبال کنیم. مساله آنقدر حیاتی است که هر یک روز تاخیر در عملیاتی شدن این اقدام، فشار بیشتری را به بازار آورده و بیشتر از پیش آن را به ناترازی سوق خواهد داد و از آنجا که ما ملزم به واردات کالاهای اساسی موردنیاز هستیم، شاید مجبور شویم قید واردات برخی کالاهای ضروری را بزنیم و ارز آن را علی‌الحساب به کالاهای اساسی اختصاص دهیم.

آیا اقداماتی از این دست، کارایی لازم در اقتصاد جدید را خواهند داشت؟

این سیاست در این دوران از اقتصاد، سنجدیه خواهد بود. البته ممکن است عده‌ای معتقد باشند که صادرات تهراتی و یا به فرض؛ اقتصاد تهراتی جایی در قرن بیست‌ویکم ندارد، اما باید توجه کنیم که اقتصاد ایران در حال حاضر شرایط ویژه‌ای پیدا کرده و ما براساس همین شرایط ویژه است که از صادرات تهراتی صحبت می‌کنیم. پس باید تاکید کرد که در شرایط معمول، کسی اقتصاد تهراتی را تشکیل و یا پیشنهاد نمی‌کند اما این شرایط کشور است که این سیاست را برای برون‌رفت از تحریم نفتی بر مادیکنه می‌کند و تا زمانی که این شرایط با برجا باشد، سنجدیه خواهد بود که به‌منظور تامین ارز، تامین کالاهای اساسی و در نهایت تامین معیشت مردم آن را به کار گیریم، من فکر می‌کنم که این سیاست را در صورت ادامه تحریم‌ها، تا آنجا می‌توان پیش برد که علاوه‌بر واردات کالاهای اساسی، بتواند واردات مواد اولیه موردنیاز صنعت را نیز دربرگیرد. مواد اولیه صنعت و کالاهای نیمه‌تمام آن نیز مدت‌هاست در تنگنا قرار دارند و لازم است در مرحله بعد از کالاهای اساسی به آن بپردازیم.

ملاحظات و مقدمات اجرای هرچه بهتر این اقدام چیست؟ آیا از ابزار لازم برای استفاده از آن برخوردار خواهیم بود؟

محوریت صادرات‌های تهراتی... و شرکت‌های تهراتی هستند که به روند تسهیل آن کمک می‌کنند، اما حالا که خود دولت می‌خواهد این سیاست را دنبال کند، نسبت به زمانی که بخش خصوصی بخواهد آن را انجام دهد، کار بسیار راحت‌تر است. در دستورکار قرار گرفتن اقتصاد تهراتی نیازمند کار کارشناسی و نظارتی خواهد بود. مثلاً نباید این‌طور باشد که نفت ما برود و از آن طرف کالایی وارد نشود. تاکید بر نظارت به این دلیل است که در نظام پولی بین‌الملل ریسک عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات بسیار پایین‌تر از واردات تهراتی خواهد بود. اقتصاد تهراتی بسیار سخت‌تر از اقتصاد تجاری بین‌الملل خواهد بود که همین مسائل ما را ملزم به تشکیل نهادها و آموزش آنها خواهد کرد که بتوان مکانیسم‌ها و ملاحظات تهراتی را رعایت کرد.

یکی دیگر از تصمیمات گرفته‌شده؛ واردات در برابر صادرات (غیرنفتی) بدون نیاز به تبادل ارزی بوده که هدف آن تامین کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید درنظر گرفته شده است. شما نیز به بسط صادرات

تهاتری نفتی به دیگر کالاها اشاره داشتید. شرایط در صادرات تهراتی کالاهای غیرنفتی چگونه است و آیا امکان آن فراهم است؟

با توجه به امکان استمرار تحریم‌ها باید بتوانیم صادرات تهراتی نفت را به صادرات همه کالاهای سرایت بدهیم. در حال حاضر تولیدکنندگانی وجود دارند که آماده‌اند کالاهای خود را در ازای واردات مواد اولیه صادر کنند، اما همین تولیدکنندگان باید توسط دستگاه‌های ذی‌ربط حمایت شوند تا بتوانند فعالیت تهراتی خود را عملیاتی کنند. پس توسعه صادرات تهراتی نفت به تهرات کالا به کالا در همه زمینه‌ها؛ برای تامین مواد اولیه و ارز و همچنین جلوگیری از عدم کمبود در کالاهایی به غیر از کالاهای اساسی لازم خواهد بود. این مساله منجر به ورود نهاده‌های تولیدی خواهد شد که برای تولید محصولات در کشور به آنها نیاز داشته اما توانایی و امکانات ساخت آنها را در اختیار نداریم. این سیاست ملاحظات و مقدمات سیاست قبلی را با وسواس بیشتری خواهد داشت، چرا که بدون همکاری بخش خصوصی نمی‌توان به تهرات همه کالاها دست زد.

تصمیم سسومی نیز اعلام شده که همانند دو تصمیم قبلی مربوط به صادرات کشور است. گویا برای استفاده از ظرفیت اعتباری و تسهیل فعالیت‌های بازرگانی برخی صادرکنندگان، سندیکایی تحت‌عنوان صادرکنندگان خوشنام تشکیل خواهد شد. در مورد این سندیکا و کارایی آن توضیح دهید.

برای اجرای این سیاست نیز مانند اقدامات قبلی دیر دست به کار شده‌ایم، چرا که ماه‌ها پیش از تشکیل یک قرارگاه اقتصادی صحبت شده بود. تشکیل سندیکای صادرکنندگان خوشنام اقدام مثبتی است که امکان استفاده از ظرفیت صادراتی کشور را به ما ارائه خواهد داد. خوشبختانه در کشور ما نهادها، افراد و دستگاه‌هایی وجود دارند که در زمینه صادرات به‌صورت عملیاتی کار کرده و علاوه‌بر تجربه، تخصص لازم را نیز در اختیار دارند. این افراد و نهادها در طول سال‌ها به بالا و پایین مساله صادرات و مکانیزم‌های آن آشنایی لازم را پیدا کرده‌اند اما از ظرفیت آنها چندان استفاده‌ای نشده است. سندیکای صادرکنندگان خوشنام حتی برای شرایط غیرتحریمی نیز اساسی است، چرا که ما باید «تسهیلیاتی اقتصادی» را در این کشور بیش از گذشته فعال کنیم، یکی از ارکان اقتصاد دیپلماتسی همین مساله است که صادرکنندگانی داشته باشیم که منافع کشور را بالاتر از منافع شخصی قرار داده و به دنبال بازنگرداندن ارز هم نیستند. یکی از مشکلات ارزی ما همین بازنگشتن ارزهای صادراتی است که اقتصاد و بازار ارز کشور از آنها بی‌بهره مانده است. عدم بازگشت ارز به معنی ناترازی بیشتر بازار ارز و بالا رفتن روزافزون قیمت آن است.

مزیت‌های این سندیکای در صادرات و استمرار بازارهای صادراتی چیست؟

سندیکای صادرکنندگان خوش نام این مزیت را خواهد داشت که اولاً؛ مسیر اقتصاد دیپلماتسی کشور را به مسیر مطمئنی هدایت کند و ثانیاً در ادامه ما با استفاده از همین سندیکا، کسانی را که در بازار صادراتی به منافع ملی توجه نمی‌کنند را از صادرات خارج کنیم. همچنین این سندیکا باعث ایجاد استانداردهایی خواهد شد که در آن کیفیت کالا و تضمین آن مهم بوده که رفته‌رفته ما را به بازارهای مطمئن صادراتی خواهد رساند که در آن صادرکنندگان تغییرات عدیده و منفی در کیفیت کالای خود ندهند. در واقع اجازه و انگیزه چنین کاری را پیدا نکنند. بنابراین سندیکای صادرکنندگان خوش نام تضمین نظارتی است

برای اینکه اگر کالایی از جمهوری اسلامی صادر می‌شود، استانداردهای لازم خود را در طول زمان رعایت کند و مشتریان نیز رفته‌رفته متوجه شوند که به‌طور مثال کالایی که امروز دریافت می‌کنند، همان کالایی است که چند ماه پیش دریافت کرده‌اند و کیفیت و کارایی آن تغییری نکرده است. صادرکننده‌ای هم که از این جریان تخطی کند با نظارت همین جریان حذف و اخراج خواهد شد.

شماروی «استانداردهای کالاهای صادراتی» تاکید دارید. چگونه می‌توانیم از این طریق بازار مطمئنی را حتی با شرایط موجود ایجاد کنیم؟

جریان گفته شده را اگر در ابتدا در منطقه و سپس در سطح فرامنطقه به اثبات برسانیم، می‌توانیم ادعای استفاده از ظرفیت‌های صادراتی را داشته باشیم. تخمین بنده این است که اقتصاد کشور ما ۱۰۰۰ میلیارد دلار ظرفیت صادراتی داشته که ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به منطقه است. اما احیای این ظرفیت، سندیکای صادرکنندگان خوش نام باید روی استانداردهای موردنیاز انواع و اقسام کالاهای صادراتی نظارت و اجماع لازم را داشته باشند و رضایت مشتری‌های فرامرزی را هدف اصلی خود قرار دهند. برای مشتری و طرف‌های خارجی بسیار مهم است که کالای صادر شده از همان ویژگی‌هایی برخوردار باشد که توضیح داده شده است.

انتشار اوراق از سوی دولت به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های تامین کسری بودجه بدون پولی سازی آن است که به‌عنوان راهکار چهارم در نظر گرفته شده است. فواید این سیاست از نظر شما چیست؟

دولت در شرایطی قرار گرفته که درآمد او کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد و این شکاف به‌طوری است که حتی کاهش هزینه‌های دولت مساله را به‌طور کامل حل نمی‌کند چرا که اگر دولت بخواهد از پس هزینه‌های جاری خود همانند؛ «حقوق و دستمزد»، «خرید خدمات» و «ایفای تعهدات در برابر پیمانکاران» بر بیاید، باز هم جریان درآمدی حاضر کفاف آن را نخواهد داد. برای همین است که می‌بینیم بسیاری از کارکنان و پیمانکاران دولت از او طلبکاریند یا می‌بینیم که دولت توانایی ترمیم دستمزد نیروهایی مثل؛ کادر درمان و... را نخواهد داشت. از همین رو دولت باید برای به‌حرکت درآمدن چرخ اقتصاد کشور به دنبال افزایش درآمد خود از محل‌هایی مانند؛ افزایش پایه‌های مالیاتی، توسعه صادرات و... باشد که ما در برخی از این مسائل با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم. از طرفی تامین این درآمد از طریق افزایش استقراض دولت از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی، مکانیسم خطرناک و البته اثر گذار بر تورم است. با این اوصاف به نظر می‌رسد که انتشار اوراق علاوه‌بر تامین کسری بودجه، کمترین بار تورمی را نیز داشته باشد.

به نظر می‌رسد انتشار اوراق علاوه‌بر فواید، تبعاتی نیز داشته باشد. از چه طریقی می‌توانیم این تبعات را به حداقل برسانیم؟

این مساله به معنی انتشار بی‌حساب و کتاب اوراق و عدم مدیریت هزینه‌های دولت نیست چرا که در نهایت منجر به رسوب اوراق در ترازنامه بانک‌ها و بی‌اعتمادی به اوراق دولتی خواهد شد. ملاحظه اصلی در مورد اوراق صرف آن در محل‌هایی است که ظرفیت اقتصادی کشور را گسترش دهد یا منجر به تامین مالی پیمانکاران و افزایش سرمایه‌گذاری در کشور شود. البته باید مراقب بود که در انتشار اوراق از پایه پولی تغذیه نشود. بنابراین انتشار اوراق در شرایط حاضر گریزناپذیر است چرا که ممکن است دولت و نهاد‌های سیاستگذار با سرعت نتوانند به اقداماتی چون کاهش هزینه‌ها و افزایش پایه‌های مالیاتی اقدام کنند.

